



Research Paper

Diplomacy of Interfaith Dialogue: A Case Study of the United States Department of State*

Mohammad Hosein ShoaeAssistant Professor, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran
shoae@isu.ac.ir

10.22034/CDRJ.2024.196967

0000-0001-9701-3585

ABSTRACT

Today, due to various reasons, we are witnessing an increase in the role of religion in foreign policy. The connection between religion and foreign policy in two forms, prior or posterior, has automatically made it possible to use religion as a tool of foreign policy in the public diplomacy of countries. Based on this, the research, focusing on the US Department of State, is trying to analyze the emerging concept of interfaith dialogue diplomacy. In this direction, by analyzing the content of the policies and programs of the relevant departments, in three parts of basics, concept and method, the model of interfaith dialogue diplomacy of America has been extracted. The results show that the foundations of "the chosen nation and the global call and the representation of divine forces" and the concept of "civil religion" have provided the theoretical support for interfaith dialogue diplomacy for America. Therefore, the innovation of this research, in addition to its topic, can be considered as an inspiration for the design of the interfaith dialogue diplomacy model of the Islamic Republic of Iran, which will be a strategic policy.



CC BY-NC-SA

Received: 2023-06-12
Accepted: 2023-08-14

Keywords:

Interfaith Dialogue-
interfaith Dialogue
Diplomacy-
America- Civil
Religion.

*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان: مطالعه موردی وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا*

doi 10.22034/CDRJ.2024.196967

محمدحسین شعاعی

استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

shoae@isu.ac.ir

ID 0000-0001-9701-3585

چکیده

امروزه بنا به دلایل مختلف، شاهد افزایش نقش دین در سیاست-خارجی هستیم. پیوند میان دیانت و سیاست خارجی در دو شکل پیشینی یا پسینی، خود به خود امکان استفاده از دین به مثابه ابزار سیاست خارجی در دیپلماسی عمومی کشورها را سبب شده است. بر این اساس، این پژوهش با تمرکز بر وزارت امور خارجه آمریکا، در تلاش است تا مفهوم نوظهور دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان را واکاوی نماید. در این مسیر، با تحلیل مضمون سیاست‌ها و برنامه‌های بخش‌های مربوطه، در سه بخش مبانی، مفهوم و روش، الگوی دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان آمریکا استخراج شده است. نتایج نشان می‌دهد مبانی "ملت برگزیده و فراخوان جهانی و نمایندگی نیروهای الهی" و مفهوم "دین مدنی" پشتوانه نظری دیپلماسی گفتگوی بین‌دینی برای آمریکا را فراهم آورده است. نوآرنگی این پژوهش لذا علاوه بر موضوع آن، می‌تواند در الهام بخشی به طراحی الگوی دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان جمهوری اسلامی ایران که سیاستی راهبردی خواهد بود محسوب شود.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

واژگان کلیدی:

گفتگوی بین‌ادیان،
دیپلماسی گفتگوی
بین‌ادیان، آمریکا،
دین مدنی.

* مطالب مندرج در فصلنامه میباید اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

مقدمه

امروزه نقش مهم و پررنگ دین، قدرت دینی و بازیگران دیندار در نظام و سیاست بین‌المللی یک واقعیت است (علیخانی، ۱۳۸۸: ۱۲). از جمله شواهد قدرت دین، می‌توان به ظهور جنبشی با نام «احیاء دین» در اواخر قرن بیستم اشاره کرد که از موارد مطرح شده در آن، بحث برخورد و گفتگوی تمدن‌ها بود (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۲۱). هم چنین وجود انواع بنیادگرایی، نه تنها در خاورمیانه بلکه در آفریقا، آسیای جنوب شرقی، و شبه قاره هند که زمینه ساز تروریسم دینی^{۱-۲} جهانی است، خود حاکی از مهم شدن اندیشه‌ها و آداب و سنن دینی در جهان معاصر است. (هابرماس، ۱۳۸۸: ۱۵۹)^۲

علاوه بر اینها، تجلی دین به مثابه پدیده‌ای فراملی که در عرصه سیاست‌های بین‌المللی ظهور یافته است را می‌توان در موضوعاتی مانند: نوآیینی، حقوق بشر (عام) و حقوق دینی (خاص) رهیابی کرد (فوکس و ساندلر، ۱۳۸۸: ۳۷۸). هم چنین، افزایش تعداد افراد «مذهبی‌تر» در سه دهه گذشته، که بیشترین سهم از آن مسیحیان پروتستان و مسلمانان بوده است، نیز نشانه‌ای مهم از احیاء دین در دهه‌های اخیر در سطح جهانی است. (اسنایدر، ۱۳۹۳: ۱۸۳)

این پژوهش در پی آن است تا از طریق شناسایی جایگاه دین در حوزه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا ذیل دیپلماسی عمومی به فهم دقیقی از حوزه نوظهور دیپلماسی گفتگوی بین ادیان درست یابد. در ادامه فعالیت‌ها و برنامه‌های گفتگوی بین ادیان که به صورت رسمی از سوی وزارت امور خارجه دولت آمریکا صورت می‌پذیرد، مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در پایان، مضامین محوری (در تحلیل مضمون) در قالب نتیجه‌گیری به تفصیل بیان می‌شود.

چهارچوب نظری

پیتز برگر، سالیانی پیش، در گفتگو با مجله نیویورک تایمز، خطاب به روشنفکران غرب، گفته است «در قرن بیست و یکم، افراد دینی که احتمالاً در گروه‌های کوچک ظاهر می‌شوند، گردهم

۱. در تاریخ غرب مشهور است که قرن هفدهم (قرن شک و تردید)، قرن هجدهم (قرن ارتداد و الحاد)، قرن نوزدهم (قرن بی‌طرفی)، قرن بیستم (قرن تمایل به دین) و قرن بیست و یکم (قرن دینی) نام گذاری شده‌اند.

2. religious terrorism

۳. فعالیت‌های تروریستی در اوایل دهه ۱۹۸۰ م، به یک الگوی دینی تغییر جهت دادند. بیشتر گروه‌های فعال تروریستی در اواخر دهه ۱۹۹۰، وابسته به گروه‌های دین محور بوده‌اند که تمایل زیادی به استفاده از دین داشته‌اند. (فوکس و ساندلر، ۱۳۸۸: ۳۷۸)

می‌آیند تا در مقابل فرهنگ سکولاریستی جهان گستر مقاومت کنند» (اسنایدر، ۱۳۹۳: ۴۵). طرح اندیشه‌ای چنین موضوعاتی، نشان از وجود واقعی دین و اثرگذاری آن در برهم کنش‌های اجتماعی میان مردم در جهان امروز دارد. در این خصوص، دین نفوذ زیادی در جامعه آمریکایی دارد، به طوری که بیش از ۸۵ درصد از آمریکایی‌ها، یعنی بیش از دو سوم از آنها معتقدند که دین بخش مهمی از زندگی روزمره شان را تشکیل می‌دهد (Pew Forum, 2008). «در آمریکا، برخلاف اروپا، موج عرفی شدن (سکولاریزاسیون) روند چندان فزاینده‌ای نداشته است» (هابرماس، ۱۳۸۸: ۱۶۱). بنابراین در همین ابتدا می‌توان دریافت که چون در آمریکا دین جایگاه مردمی دارد، از آن می‌توان به مثابه ابزاری جهت اقناع سیاست خارجی کشور مورد استفاده قرار داد. پس از اثبات موضوعیت داشتن دین در زندگی عمومی مردم، به مثابه مخاطبان سیاست‌ها، یکی از راه‌های اثبات امکان و سپس چگونگی استفاده از دین در سیاست خارجی آمریکا، پیوند دین و سیاست است. این در حالی است که معمولاً شعار جدایی دین از سیاست در غرب به ویژه آمریکا بسیار مقبول و مرسوم بوده است. صرف نظر از آراء و نظرات اندیشمندان در خصوص صحت و سقم این نظر، می‌توان این شعار را در دو سطح متفاوت تحلیل کرد. در سطح نظر، این جدایی مورد پذیرش بسیاری قرار گرفته است.^۱ اما در سطح عمل، خلاف آن را شاهد بوده ایم. مثلاً: جنتیل از رابطه و نقش دین در سیاست آمریکا در بازه‌های زمانی انتخابات ریاست جمهوری در سال‌های ۱۸۹۶، ۱۹۲۸، ۱۹۶۰، ۱۹۷۲، ۱۹۷۶، ۱۹۸۰، ۱۹۹۲، ۲۰۰۰، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ نام می‌برد. (Gentile, 2008: 44)

هم چنین شواهدی وجود دارد که در آن دولت‌هایی مانند دولت بوش (۲۰۰۱-۲۰۰۹ م) و دولت کلبیتون (۲۰۰۱-۱۹۹۳ م) از کمک به سازمان‌های دین نهاد در راستای پیشبرد اهداف و منافع آمریکا در ترویج ارزشهای آمریکایی در خارج دریغ نمی‌ورزیده‌اند. (Marsden, 2014: 480)

الکسیس دو توکویل^۲ در کتاب خود «دموکراسی در آمریکا» می‌نویسد: «دین و سیاست در آمریکا از همان ابتدا با یکدیگر همسو بوده‌اند و همچنان نیز هستند. من اطمینان دارم که آنها دین را عنصر جداناپذیر نهادهای جمهوریت می‌دانند.» (دو توکویل، ۱۳۸۲: ۵۶)

از جمله اعتقاداتی را که می‌توان برای فهم ایالات متحده در نظر گرفت، این گزاره است:

۱. البته در حوزه نظری نیز آراء مخالف جدایی این دو عرصه را می‌توان به راحتی مشاهده کرد. برای مثال، مفهوم الهیات سیاسی (Political Theology)، به نقش ادیان در روابط بین‌الملل اشاره دارد. در این معنی، همانطور که بر مبنای اقتصاد سیاسی بین‌الملل، جدایی قدرت و ثروت ناممکن است، در الهیات سیاسی نیز جدایی الهیات و سیاست ناممکن است.

2. Alexis de Tocqueville

«بیشتر آمریکاییان معتقد هستند که تفوق تاریخی و نهادهای سیاسی آمریکا به آن‌ها حقی خدادادی است تا تمدن خود را به سرتاسر قاره آمریکا و جهان گسترش دهند» (Roark, 2005:128)

بوزمن در دیدگاهی کلی، تمایل زیاد غرب به مدرنیزاسیون و جهان شمول کردن ارزش‌هایش را به تأثیرات دینی مسیحیت و ماموریت دینی پیوند می‌زند (کوبالکوا، ۱۳۸۸: ۱۰۴). در این فضا، امکان ارتباط محصولات سیاستی در حوزه خارجی، با آموزه‌های دینی را می‌توان در پیوند سنت نئولیبرال با تفکرات فیلسوفان مسیحی، و نیز نظام وستفالیایی مدرن با اصلاح طلبی پروتستانی به خوبی مشاهده کرد. (فاکس و سندلر، ۱۳۸۸: ۷۳)

از مجموع آن چه آمد می‌توان در قالب یک حقیقت مسلم، به وجود دو رویکرد کلی متفاوت و در ادامه یک نتیجه مشترک حکم کرد. حقیقت مسلم، امروزه جایگاه و پایگاه داشتن دین در جهان به صورت عام و در آمریکا به مثابه یکی از دو مورد مطالعه به صورت خاص است. بر این اساس، دین در سطوح مختلف فردی - اجتماعی کارکردهای متنوعی مانند: معنابخشی، هویت‌سازی، الگومداری، انسجام عمومی، بسیج مردمی و... را بر عهده دارد. علاوه بر سطح عامه مردم در قالب افکار عمومی، رگه‌هایی از وجود باورهای دینی در شکل‌های مختلف کم (سنت دینی) و زیاد (ایدئولوژی دینی)^۱ در سطح سیاستگذاران دارای پست و وظیفه نیز مشاهده می‌شود. این سطح، بر خلاف سطح پیشین، می‌تواند نتیجه ایده‌ها و باورهای دینی خود را بر اساس انجام یا فقدان ملاحظه مخاطب در قالب سیاست‌هایی که تصویب می‌کند، به منصفه ظهور رساند. لذا در این مقام، خود بخود به دو رویکرد متفاوت می‌رسیم. در رویکرد اول، از دین در سیاست خارجی به مثابه یاریگر استفاده می‌شود. در این مقام، دین توجیه‌کننده پسینی سیاست‌های پیشینی است. سیاستگذار در این مقام، با اطلاع و اعتراف به نقش دین در افکار عمومی جامعه خودی و نیز جامعه هدف مورد دیپلماسی، تلاش می‌کند تا وجه مشروعیت و اعتباربخشی سیاست‌هایش را از دین اخذ کند. در رویکرد دوم، اما دین به مثابه بازیگر، آن هم بازیگر اصلی در طراحی و اجراء سیاست‌های خارجی نقش ایفاء می‌کند. چهارچوب طراحی و تدوین سیاست خارجی لذا در این مقام، از اساس ریشه در باورهای دینی دارد و دین تبیین و تشریح‌کننده پیشینی سیاست‌های پسینی خواهد بود. بر اساس توجه به حقیقت مسلم گفته شده و این دو رویکرد، می‌توان در مقام نتیجه مشترک، به نقش آفرینی دین در عرصه سیاست

۱. احترام به دین همانگونه که هست، و نه استفاده از آن به عنوان یک ابزار ایدئولوژیک در قالب مفهوم امنیت زدایی دین توسط لاستن و ویور مطرح شده است. در این معنی، اگر گفت‌مان‌های دینی جدی گرفته شوند، مخالف هر نوع ابزارسازی توسط یک طرف در منازعه هستند. (هازن کلور، ۱۳۸۸: ۲۶۵)

خارجی کشورها و از جمله آمریکا نائل آمد. قدر متیقن این دو رویکرد، استفاده از دین، چه در مقام پیشینی و یا مقام پسینی، در سیاست خارجی است. (جدول شماره: ۱)

جدول شماره (۱): رابطه دین و سیاست خارجی در آمریکا

دین و سیاست خارجی		
رتبه دین	نقش دین	رویکرد
پیشینی	بازیگری	سیاست خارجی دین مبنا
پسینی	یاریگری	سیاست خارجی دین آمیز
تعامل دین و سیاست خارجی		وجه اشتراک

چهارچوب روشی

در این پژوهش از روش اسنادی و تحلیل مضمون در گردآوری و تحلیل داده استفاده می‌شود.

مطالعه موردی آمریکا: تبیین و تشریح یافته‌ها

در این قسمت، وزارت امورخارجه به صورت خاص، دیدگاه‌ها و فعالیت‌های آن در خصوص دیپلماسی گفتگوی بین ادیان مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد.

در وزارت امورخارجه، دفتر دین و امورجهانی^۱ وجود دارد که به پیاده‌سازی استراتژی ملی در زمینه مشارکت رهبران دینی و اجتماعات مذهبی^۲ می‌پردازد. این سیاست‌های اقدامی از طریق اطلاع رسانی، اقناع، ارتباط و آموزش انجام می‌شود.

هم چنین در وزارت خانه مزبور، کمیسیونی با نام «کمیسیون مشورتی دیپلماسی عمومی آمریکا»^۳ شناسایی شده است که هر ساله گزارش جامع دیپلماسی عمومی و سخن پراکنی بین‌المللی آمریکا را تهیه و تدوین می‌کند. ارتباط ساختاری این کمیسیون با وزارت امورخارجه و ارائه گزارش به مسئولان ارشد دولتی حکایت از اهمیت کار این نهاد و گزارش‌های سالیانه آن دارد. در این بخش، گزارش‌های این کمیسیون مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد. در ادامه، موارد یافت و نام برده شده به تفصیل مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

1. The Office of Religion and Global Affairs (RGA)
2. National Strategy on Religious Leader and Faith Community Engagement
3. United States Advisory Commission on Public Diplomacy

دین و امور جهانی

در صفحه رسمی این دفتر^۱ در سایت وزارت امور خارجه می‌خوانیم:
این دفتر در راستای پیاده‌سازی استراتژی ملی بر روی رهبران دینی و اجتماعات مذهبی سه نقش فراگیر را برای وزارت امور خارجه بازی می‌کند.

۱. مشورت به وزارت در امور مربوط به دین

۲. حمایت از پست‌ها و دفاتر^۲ در ارزیابی دینامسیم دینی^۳ و درگیر ساختن بازیگران دینی

۳. کمک به عنوان اولین نقطه ورود به کسانی که از وزارت امور خارجه مشارکت در امور مربوط به دین و امور جهانی را درخواست می‌کنند.

این دفتر به طور منظم با سایر مسئولان و دفاتر دولتی همکاری می‌کند. این نهادها شامل مواردی است که بر روی موضوعات دینی تمرکز می‌کنند، مانند: دفتر آزادی دینی بین‌المللی، مرکز آمریکایی برای ابتکارات اجتماعی و دین مبنای مراکز مشارکت محلی و دین مبنای بنگاه‌های فدرال‌های مختلف، و سایر موارد.

این دفتر، سه ماموریت یاد شده را از راه‌های زیر انجام می‌دهد:

الف) اطلاع رسانی: در این بخش به وزارت امور خارجه دینامسیم‌های خاص دینی که مرتبط با اولویت‌های سیاست خارجی است را مشورت می‌دهیم و تجربیات سازمان‌ها، اجتماعات و محققان دینی و سکولار را برایشان ترسیم می‌کنیم.

ب) اقدام: تسهیل و اجراء جلسات، میزگردها، سمپوزیوم‌ها با حضور مسئولان وزارت امور خارجه برای مشارکت ایشان در موضوع‌های ناظر به دین و امور جهانی در راستای به اشتراک‌گذاری اطلاعات، وسعت بخشی به آگاهی و برقراری ارتباط میان ایشان و متخصصان.

ج) ارتباط: ما با جمعی از شبکه‌های محلی و جهانی در ارتباطیم و به صورت فعالانه در شبکه سیاستی دین و دیپلماسی ترانس آتلانتیک حضور داریم.

د) آموزش: ما ظرفیت وزارت امور خارجه در ارزیابی دینامسیم‌های دینی و مشارکت بازیگران دینی در سیاست خارجی شان را افزایش می‌دهیم.

در راستای فهم عینی‌تر از اهداف و سیاست‌های این دفتر مهم در عرصه سیاست خارجی گفتگو محور وزارت امور خارجه، بررسی برنامه‌های آن از اهمیت خاصی برخوردار است. از جمله

1. <https://www.state.gov/s/rga/>

2. Bureaus

3. religious dynamics

برنامه‌های اخیر این دفتر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. برگزاری کارگاه آموزشی در رم با حضور وزارت امور خارجه، قشر دانشگاهی، جامعه مدنی و اجتماعات دینی برای به اشتراک‌گذاری بهترین فعالیت‌ها در راستای مبارزه با تهدید بیماری‌های مربوط به موادمخدر^۱.

۲. همکاری با رهبران دینی در نیجریه برای توسعه و افزایش برنامه ضد فساد ایشان.

۳. همکاری با جمعیت اروپایی برای برگزاری روز اقدام علیه تبعیض‌های ضد یهودی و نیز ضداسلامی.

۴. مشارکت طلبی رهبران دینی در کشورهایی با جمعیت اکثراً ارتدوکس مانند: اوکراین درباره موضوعاتی مرتبط با ثبات و امنیت اجتماعی و سیاسی.

آن چنان که پیداست، گونه‌های سیاست‌ها و برنامه‌های این دفتر از تنوع بالایی برخوردار است. این تنوع در موضوع، مخاطب، دامنه و نوع برنامه وجود دارد. این تنوع، تنوع موجود در پارادایم گفتگو و خاصاً گفتگوی بین ادیان را یادآوری می‌کند.

در بخش موضوع، لزوماً موضوع برنامه دینی نیست، بلکه می‌تواند موضوعی اجتماعی باشد که در آن از ظرفیت دینی در راستای بهبود و پیشرفت استفاده می‌شود. چنین رویکردی در گونه‌شناسی خود گفتگوی بین ادیان نیز وجود دارد. در این معنی، موضوع گفتگوی بین ادیان لزوماً دینی نیست، بلکه چه بسا موضوع آن از موضوعات و مسائل موجود در جامعه در سطح ملی یا بین‌المللی باشد و برای توصیف دقیق آن یا تجویز راه‌های مطلوب در جهت حل مساله از ظرفیت‌های دینی استفاده می‌شود.

در بخش مخاطبان، به سان بخش قبل، افراد منحصر در رهبران و اجتماعات دینی نمی‌شود. طبعاً به فراخور موضوع، از گروه‌های مختلف اجتماعی دعوت به عمل می‌آید تا گستردگی و تنوع مخاطب، امکان به اشتراک‌گذاری نظرات و پیشنهادهای گوناگون را فراهم آورد.

به همین دلیل، دامنه برنامه‌ها با توجه به پوشش دادن کشورهای مختلف اروپایی، آفریقایی محدودیت بردار نیست. هم چنین سطح برنامه‌ها می‌تواند ناظر به یک کشور یا چند کشور باشد. در این خصوص، به نظر می‌رسد سیاست خارجی آمریکا تعیین‌کننده خواهد بود.

نوع برنامه‌ها نیز در قالب‌های مختلف علمی یا اجتماعی برگزار می‌شود که قطعاً همسو با سیاستها، اهداف و مخاطبان خواهد بود.

نکته مهم که در تحلیل مضمون این نهاد کارگشاست، اصولی بنیادینی است که پشتوانه و

1. drug-resistant diseases

راهنمای برنامه‌ها و فعالیت‌هایش می‌باشد. این اصول به شرح زیر است:^۱
الف) دین با بسیاری از اولویت‌های سیاست‌ خارجی مرتبط است، نه تنها/فقط با موضوعاتی که آشکارا بُعدی دینی دارند.

ب) دین نیرویی چندگانه است که نقش گسترده‌ای را در جوامع مختلف بازی می‌کند. مشارکت دین به معنای امتیاز دادن به جنبه‌های دینی یک موضوع نیست، بلکه ناظر به تعامل میان دین و فاکتورهایی مانند سیاست، قانون، اقتصاد، جامعه و فرهنگ است.

ج) رفتار دینی به شیوه‌های پیچیده عمل می‌کند و ایستا نیست. ارزیابی دینامسیم دینی^۲ شامل اقتدارها و متون رسمی دینی، فعالیت‌های سنتی و بومی دینی، صداها و گروه‌های در حاشیه مانند مانند: جوانان و زنان، و نهایتاً نهادهای مرتبط دینی مانند: بیمارستان‌ها، مدارس و

د) اجتماعات دینی تغییر اجتماعی را شکل می‌دهند و غالباً پیشگام نوآوری‌هایی هستند که توسعه اقتصادی و پایداری را تشویق می‌کنند و به توسعه دموکراسی و حکمرانی خوب و استقرار امنیت و ثبات و رشد عدالت و مبارزه با تعارض کمک می‌کنند. سازمان‌های دینی اغلب دارای روابط ارگانیک با اجتماعات هستند و جاهت و اعتبار مهمی نزد ایشان دارند.

پایش و مبارزه با ضدیهودگرایی^۳

این برنامه بر اساس قانون سال ۲۰۰۴ اجرا می‌شود که طبق آن، سالانه گزارشی درباره برنامه‌ها و فعالیت‌های ضدیهودگرایی در جهان تنظیم می‌شود. این برنامه‌ها مواردی مانند: حمله به اشخاص و اموال یهودی و یا سیاست‌های دولتی ناظر به تصمیمات قضایی و برنامه‌های آموزشی علیه یهودیان را بررسی می‌کنند. هم چنین نسبت به مطالب روزنامه‌ها و رسانه‌های جمعی نیز حساس هستند. وزارت امور خارجه در صفحه‌ای جداگانه^۴، نسبت به تعریف مفهومی و مصداقی ضدیهودگرایی مبادرت ورزیده است. در تعریف مفهومی، تصور نفرت‌آمیز نسبت به یهودیان و یا امور متعلق به ایشان از قبیل: اموال، دین، سازمان‌ها و.. که در قالب تظاهر کلامی یا فیزیکی نمودار می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است.

نکته جالب توجه این است که به صرف تعریف مفهومی بسنده نشده است و مواردی مصداقی نیز به عنوان مثال تشریح شده است. از جمله این موارد می‌توان به هولوکاست^۵ اشاره کرد. مطابق تعریف وزارت امور خارجه، «تکذیب واقعیت، دامنه و مکانیسم هولوکاست» و یا حتی «اتهام‌زنی به یهودیان و

1. <https://www.state.gov/s/rga/265814.htm>
2. Religious Dynamism
3. <https://www.state.gov/s/rga/seas/index.htm>
4. <https://www.state.gov/s/rga/resources/267538.htm>
5. Holocaust

یا اسرائیل در مبالغه کردن در هولوکاست» به مثابه مصداقی از ضدیهودگرایی محسوب می‌شود. تبیین مفهومی و تشریح مصداقی موضوع ضدیهودگرایی، اهمیت این موضوع در سیاست خارجی آمریکا را نشان می‌دهد. موضوعی که به کرات در قالب اندیشه‌های آکادمیک و سیاست‌های سیاستگذاران به وضوح مورد اشاره و تأکید واقع شده است.

مشارکت‌طلبی از اجتماعات مسلمان^۱

یکی از وظایف دفتر این است که با ارتباط‌گیری با اجتماعات مسلمان در سراسر جهان، منافع دوطرف در راستای نیل به اهداف مشترک را محقق سازد. هم‌چنین محصول این ارتباطات باید در قالب پیشبرد سیاست خارجی آمریکا باشد.^۲

تعامل با سازمان همکاری اسلامی^۳

این بخش در سال ۲۰۰۸ و زمان ریاست جمهوری جرج بوش تأسیس شد. این دفتر، آن‌چنان که در صفحه مربوطه^۴ از سایت خود آورده است، از طریق تعامل با سازمان همکاری اسلامی و به تبع آن دولت‌ها، جوامع مدنی و رهبران دینی آنها، به دنبال جلب نظر و همکاری آن‌ها در راستای حفظ و پیشبرد منافع سیاست خارجی آمریکا خواهد بود. موضوعات سیاست خارجی مرتبط، علاوه بر اولویت‌های سیاسی منطقه‌ای و چند جانبه^۵، مواردی مانند: مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، ارتقای حقوق بشر، امور انسانی، مسائل زنان، سلامت جهانی^۶ و حل منازعات^۷ می‌باشد.

آن‌چنان که در صفحه فکت شیت (گزارش برگ)^۸ آمده، معرفی موارد بالا به شرح زیر است: الف) در موضوع مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، می‌توان از همکاری آمریکا با آیسسکو^۹ در راستای بررسی نقش آموزش دینی در ترویج صلح و ضدخشونت‌گرایی نام برد.

ب) درباره حقوق بشر، ایالات متحده با سازمان همکاری اسلامی درباره موضوعاتی از جمله: آزادی دینی^{۱۰}، آزادی بیان^{۱۱}، حمایت از حقوق گروه‌های اقلیت مذهبی مشارکت کرده است. این

1. Engaging Muslim Communities
2. <https://www.state.gov/s/rga/srhc/index.htm>
3. Coordinating with the Organization of Islamic Cooperation
4. <https://www.state.gov/s/rga/oic/index.htm>
5. regional and multilateral political priorities
6. global health
7. conflict resolution
8. <https://www.state.gov/s/rga/oic/268129.htm>
9. Islamic Educational, Scientific, and Cultural Organization (ISESCO)
10. religious freedom
11. freedom of expression

مشارکت شامل حمایت در مخالفت با قوانین ددمنشانه^۱ و محدودکننده، و نیز افزایش آگاهی از تلاش‌های مثبت برای محافظت از حقوق اعضای گروه‌های اقلیت مذهبی، مانند اعلامیه مراکش^۲ در مورد حقوق اقلیت‌های مذهبی در جوامع با اکثریت جمعیت مسلمان که توسط محققان اسلامی و سازمان همکاری اسلامی تصویب شد.

روابط دولت ایالات متحده با این سازمان هم چنین موجب پایان دادن به قطعنامه «تقلب در ادیان»^۳ در سازمان ملل متحد شد که خواستار محدودیت در سخن گفتن از مذاهب است. این مشارکت در حل اختلافات در مورد مبارزه با عدم تحمل، تبعیض و خشونت مذهبی، که همچنین به عنوان قطعنامه ۱۸/۱۶ شناخته می‌شود، کمک کرده است، که به یک الگوی برنامه عملی برای ترویج تحمل (تساهل) و پایان دادن به تبعیض بر اساس دین یا اعتقاد تبدیل شده است.

ج) در خصوص سلامت، کمک به بهبود در دسترسی و کارایی تلاش‌های واکسیناسیون در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، به ویژه در افغانستان، پاکستان و نیجریه صورت پذیرفته است. در این برنامه‌ها، از مشارکت ذینفعان کلیدی از جمله رهبران دینی استفاده می‌شود.

د) در زمینه حل منازعات، می‌توان به تلاش‌های آمریکا در جمهوری آفریقای مرکزی^۴، اشاره کرد که به تسهیل تلاش میانجیگری مدنی درونی مذهبی^۵ برای حمایت از تلاش‌های آشتی ملی^۶ است، منجر شده است.

هم چنین لازم به ذکر است که برخی کشورهای دیگر شامل: انگلستان، کانادا، استرالیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا نیز مانند آمریکا در این خصوص اقدام به تعیین نماینده ویژه کرده‌اند.

استراتژی ایالات متحده در مورد مشارکت رهبران دینی و اجتماعات مذهبی^۷

از آنجا که این استراتژی در رابطه با سیاست‌های خارجی و گفتگوهای دینی بسیار مهم است، تفصیل آن در قالب ترجمه از صفحه مربوطه^۸ به شرح زیر است:

در سرتاسر جهان، رهبران دینی و جوامع مذهبی سهم قابل توجهی در توسعه پایدار، ارتقاء و حمایت از حقوق بشر و کاهش و حل و فصل اختلافات دارند. مقامات ایالات متحده مدتهاست

1. blasphemy laws
2. Marrakesh Declaration
3. Defamation of Religions
4. Central African Republic
5. civil society-led intra-faith mediation
6. national reconciliation
7. U.S. Strategy on Religious Leader and Faith Community Engagement
8. <https://www.state.gov/s/rga/strategy/>

که رهبران و موسسات دینی و هم چنین سایر رهبران و نهادهای اجتماعی را در این خصوص به مشارکت طلبیده و در راه تقویت شان تلاش کرده است. این استراتژی، مقامات دولتی ایالات متحده را تشویق می‌کند تا روابط خود با رهبران دینی و جوامع مذهبی را توسعه و تعمیق بخشد، چراکه در پیشرفت سیاست خارجی مفید است. به طور خاص، این استراتژی به منظور ترویج اهداف زیر، از طریق برقراری ارتباط قوی با رهبران دینی و جوامع مذهبی، به عنوان بخشی از تلاش گسترده‌تر برای دست زدن به مجموعه‌های متنوع از بازیگران جامعه مدنی است:

۱. **ترویج توسعه پایدار و کمک‌های بشردوستانه موثرتر:** رهبران دینی و سازمان‌های مذهبی اغلب به عنوان تصمیم گیرندگان در سطح جامعه عمل می‌کنند و به دنبال توسعه و تلاش‌های بشردوستانه در جوامع خود هستند. در تلاش برای همکاری با چنین رهبران و طراحی برنامه‌های مذهبی، تلاش‌های کمک خارجی ایالات متحده می‌تواند موثر و پایدار باشد.

۲. **پلورالیسم پیشرفته و حقوق بشر،** از جمله حمایت از آزادی دینی: دولت بر اساس طرح‌های فعلی، تلاش می‌کند تا طیف متنوعی از رهبران مذهبی را در زمینه پیشرفت حقوق بشر جهانی، ارزش‌های اصلی آمریکا مانند احترام به حقوق بشر اعضای گروه‌های اقلیت و گروه‌های درحاشیه، پلورالیسم، تحمل و حساسیت را افزایش دهد تا مردم در سراسر جهان به اعتقادات و سنت‌های یکدیگر احترام گذارند.

۳. **جلوگیری، کاهش و حل و فصل اختلافات خشونت‌آمیز و کمک به ثبات و امنیت محلی و منطقه‌ای:** دولت ایالات متحده با تلاش‌های خود برای از بین بردن چرخه‌های جنگ خشونت‌آمیز و کاهش بحران، با رهبران دینی برای حل عوامل مذهبی و غیرمذهبی خشونت و حمایت از اقدامات مداوم خود برای ایجاد جوامع مسالمت‌آمیز، همکاری خواهد کرد. در سراسر این اهداف، دولت ایالات متحده:

۱. از ظرفیت خود و ظرفیت شرکاء بین‌المللی خود برای مشارکت‌طلبی با رهبران دینی و جوامع مذهبی از طریق افزایش آموزش و راهنمایی، استفاده می‌کند؛

۲. تلاش‌های خود را با تعامل رهبران دینی در سیاست و عمل نهادینه می‌سازد؛ و

۳. توسعه و پیشبرد تبادل و گفتگو با رهبران دینی.

در اجرای این استراتژی، مقامات ایالات متحده اطمینان حاصل خواهد کرد که تلاش‌های

1. Promote sustainable development and more effective humanitarian assistance
2. Advance pluralism and human rights
3. marginalized groups

مشارکتی مطابق با قانون اساسی ایالات متحده و سایر قوانین؛ حساس به فرهنگ و باورهای محلی؛ شامل طیف گسترده‌ای از بازیگران دینی و غیر دینی و توجه به استقلال و اعتبار همکاران ما که در تعامل با آنها خواهیم بود، باشد.

تحلیل دفتر دین و امور جهانی

مشاوره دینی به وزارت امور خارجه و طراحی منصب و دفتر در حوزه دینامسیم دینی و ناظر به بازیگران دینی از نکات مهم سیاستی این دفتر محسوب می‌شود. این سیاست‌های اعلامی، مبتنی بر سیاست‌های تصریح شده ناظر به موضوع دین در سیاست خارجی آمریکا است. به بیانی دقیق‌تر، تعریف دین و جایگاه آن در سیاست خارجی آمریکا از طریق تحلیل سیاست‌نامه این دفتر ممکن شد. باور سیاستی به اینکه دین:

الف) با بسیاری از موضوع‌ها و اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا ارتباط دارد.
ب) نیرویی چندگانه و در تعامل با سایر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است.
ج) دارای پویایی و دینامسیم متغیر است که متون، فعالیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای مختلفی را شامل می‌شود.

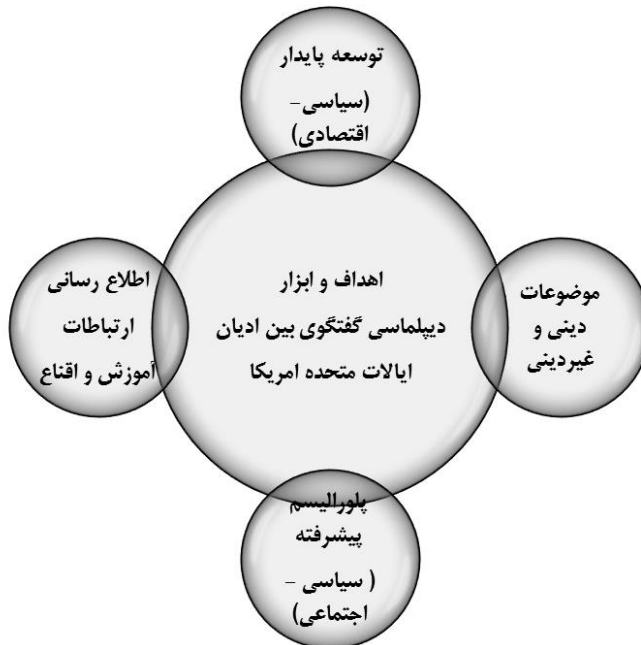
د) پیشگام نوآوری و عامل مهم امنیت، ثبات و رشد است.
لذا زمینه ساز طراحی انواع اهداف، روش‌ها با دامنه‌ای گسترده و انواع متنوع شده است.
اهداف سیاستی گفتگوی بین‌ادیان را لذا بر اساس بررسی‌های این دفتر می‌توان در سه گام اطلاع رسانی، ارتباطات و آموزش و اقناع تقسیم کرد.

در مرحله اول، هدف تنها رساندن پیام جهت آشنایی مخاطب بر برنامه‌ها و فعالیت‌ها است. در صورت موفقیت در جلب توجه نظر مخاطب، مرحله دوم از طریق ارتباطات انجام می‌پذیرد. در این نوع از ارتباطات، تمرکز بیشتر بر روی ارتباطات انسانی و بدون واسطه رسانه‌ها است. نظرات و نظریات دانش ارتباطات میان‌فرهنگی در این حوزه تأکید بر رابطه چهره به چهره دارد. در مرحله بعد، هدف اصلی این گونه از دیپلماسی گفتگومحور که همانا اقناع مخاطب است، از طریق آموزش تحقق می‌پذیرد.

از مجموع توضیحات رسمی داده شده در خصوص این دفتر، می‌توان به واکاوی تحلیلی آن دست یافت. نکته مهم این است که وزارت امور خارجه در خصوص سه دین ابراهیمی استراتژی‌های متفاوتی را برگزیده است. این نهاد در خصوص دین یهود با به کارگیری از عبارت منفی «ضدیهودگرایی» خود به خود حمایت بی‌چون و چرا از این دین و دین باورانش را اعلام می‌کند. در این راستا، هرگونه سیاست، برنامه و اقدامی که مصداق ضدیهودگرایی باشد، با واکنش روبرو خواهد شد. اهمیت موضوع

به حدی است که بخشی متولی پایش و تهیه گزارش سالانه در این مورد هستند. از طرفی دیگر، در خصوص دین اسلام، واکاوی‌ها در جهت پیشبرد سیاست‌های خارجی آمریکا خواهد بود. عبارت «مشارکت طلبی از اجتماعات مسلمان» به خوبی چنین هدفی را نشان می‌دهد. لذا، در آمریکا در حالیکه سیاست‌های خارجی باید متضمن عنایت و رعایت یهودیان در سراسر جهان و همسو با منافع ایشان باشد، درباره مخاطبان مسلمان اما قضیه برعکس است. در این معنی، این مسلمانان هستند که باید خود را با سیاست‌های خارجی آمریکا همسو کنند. راه این همسویی نیز از جاده مشارکت‌طلبی می‌گذرد. استلزام مشارکت‌طلبی نیز ارتباطات و گفتگوها خواهد بود. موضوع‌های این گفتگوها نیز که مضامین باز این بخش را تشکیل می‌دهد، حقوق بشر، مسائل زنان و سلامت جهانی است.

بنابراین پیشرفت و پیشبرد سیاست خارجی آمریکا از طریق تعامل و گفتگو و جلب موافقت رهبران دینی ممکن خواهد شد. در این راستا، مضامین کلیدی، «توسعه پایدار» و «پلورالیسم پیشرفته» می‌باشند. (شکل شماره: ۱)



شکل شماره (۱): اهداف و ابزار دیپلماسی گفتگوی بین ادیان آمریکا - بر اساس دفتر «دین و امور جهانی» وزارت امور خارجه

گزارش جامع سالانه دیپلماسی عمومی آمریکا

پیگیری نقش و رابطه دین و سیاست خارجی در دیپلماسی عمومی و امکان و چگونگی نگاه و استفاده به و از گفتگوی بین ادیان در این مسیر، اقتضاء می‌کند تا سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های ایالات متحده در موضوع دیپلماسی عمومی مورد بررسی و پایش قرار بگیرد.

معرفی

گزارش جامع سالانه دیپلماسی عمومی آمریکا که توسط کمیته مشورتی دیپلماسی عمومی ایالات متحده^۱ و به موجب قانون عمومی ۱۱۲-۲۳۹ تهیه می‌شود، حائز اهمیت است. این کمیته گزارش موردنظر را هر ساله به رئیس جمهور، کنگره، وزیر امور خارجه و مردم آمریکا ارائه می‌دهد. این کمیته که پانلی دو حزبی است توسط کنگره در سال ۱۹۴۸ ایجاد شد، تا تدوین و توصیه سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای انجام وظایف دیپلماسی عمومی را برای سازمان‌های دولتی ایالات متحده برعهده بگیرد و اثربخشی این فعالیت‌ها را ارزیابی کند. در ژانویه ۲۰۱۳، با اندکی اصلاح، مجدداً مجاز به تکمیل گزارش جامع سالانه دیپلماسی عمومی و فعالیت‌های پخش بین‌المللی شد و در این راستا، گزارش‌های دیگری را تهیه کرد که از تلاش‌های مؤثرتری برای شناخت، اطلاع‌رسانی و تاثیرگذاری بر مخاطبان خارجی حمایت می‌کردند. از جمله واحدهای فعال، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

■ مرکز بین‌المللی گفتگوی خاورمیانه و غرب^۲

این مرکز غیرانتفاعی و غیردولتی در راستای بهبود گفتگو میان ایالات متحده و کشورهای با جمعیت غالب مسلمان در سال ۲۰۰۴، تأسیس شده است و جلسات خود را در استانبول برگزار می‌کند. حوزه جغرافیایی مدنظر این مرکز، کشورهای با جمعیت غالباً مسلمان در خاورمیانه، آفریقای شمالی، آسیای جنوبی، اوراسیا و اروپا است. بودجه محقق این سازمان در سال ۲۰۱۴، ۹۸۵ میلیون دلار بوده است. تمرکز دیالوگ‌ها در سطح مردمی صورت می‌پذیرد. (ICMEWD, 2015: 86)

■ دفتر عملیات تعارض و ثبات^۳

این دفتر در فهم تعارض‌های خشونت بار از طریق تحلیل، برنامه‌ریزی، پایش، ارزیابی و آموختن به وزارت امور خارجه کمک می‌کند. یکی از برنامه‌های این دفتر که در کشورهایی مانند: بنگلادش،

1. The United States Advisory Commission on Public Diplomacy (ACPD)
2. International Center for Middle Eastern- Western Dialogue (ICMEWD)
3. The Bureau of Conflict and Stabilization Operations (CSO)

نیجریه دیدارهایی با نمایندگان از جامعه مدنی، اتاق‌های فکر (اندیشکده‌ها)، دانشگاه‌ها و سازمان‌های دین مینا است که هدف از آن ترویج دیالوگ میان احزاب سیاسی و جامعه مدنی است. در این خصوص، تساهل و همبستگی اجتماعی و راه‌حل‌های تعارض اجتماعی بررسی و ارزیابی می‌شود (ICMEWD, 2015: 142). دیالوگ به مثابه ابزار مهمی در تعامل و نیل به اهداف سیاسی است، تا آنجا که رئیس جمهور سابق آمریکا، باراک اوباما، در سال ۲۰۱۰ همزمان با راه‌اندازی مؤسسه رهبران جوان آفریقایی، ۱۲۰ تن از این افراد را به کاخ سفید دعوت کرد تا با آن‌ها درباره آینده آفریقا دیالوگ کند. در سال ۲۰۱۴، ۵۰۰ نفر از رهبران جوان آفریقایی به واشنگتن دعوت شدند تا به وسیله کمک هزینه تحصیلی در یک تبادل علمی-اجرایی در دانشگاه‌های ایالات متحده شرکت کنند. (ICMEWD, 2015: 151)

■ صدای آمریکا برای فرانکوفون‌ها

مخاطبان هدف این خدمات در ۲۴ کشور آفریقایی فرانکوفون، خصوصا آفریقای مرکزی و غربی هستند. علیرغم زیاد شدن رسانه‌های محلی، اما صدای آمریکا (به زبان فرانسوی) تلاش دارد تا به موضوع‌ها و گزارش‌های مغفول بپردازد. هم چنین اطلاعاتی درباره آمریکا و تجارب آمریکایی در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. مخاطبان ۱۸ تا ۲۷ ساله را از طریق برنامه‌های جذاب مانند موسیقی جذب می‌کند. مجلات خبری با موضوع‌هایی جالب مانند: جنسیت، سلامت، شغل-تجارت و دین نیز پخش می‌شود. در میان برنامه‌های شبکه، می‌توان به برنامه رادیویی تعاملی با نام «آمریکا و شما»^۱ با حضور متخصصان و گزارشگرانی درباره سیاست خارجی آمریکا و نیز برنامه «گفتگوی دینی»^۲ با حضور الهی‌دانان و رهبران دینی در موضوع‌های دینی اشاره کرد. (ICMEWD, 2015: 160)

در سریلانکا، آمریکا سیاست خارجی خود را از طریق برنامه‌های دیپلماسی عمومی با تمرکز بر پیشبرد آشتی، آزادی بیان و توانمندسازی جوانان و زنان انجام می‌دهد. فعالیت‌هایی که در راستای نیل به چنین اهدافی طراحی و اجراء می‌شوند عبارتند از: گفتگوی بین‌الادیان، خدمات اجتماعی و آموزش حل اختلاف، برقراری صلح و عدم خشونت. (ICMEWD, 2015: 295)

در حوزه آسیای جنوب شرقی، دفتر امور آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه از برنامه‌ای با عنوان رهبران آسیا که توسط مؤسسه دیالوگ^۳ برگزار می‌شود، حمایت می‌کند.^۱ این برنامه با

1. L'Amérique et Vous
2. Le Dialogue des Religions
3. Dialogue Institute (<http://dialogueinstitute.org/>)

حضور جوانان برگزیده از آسیای جنوب شرقی به صورت فشرده و به مدت پنج هفته با تمرکز بر پلورالیسم دینی و دموکراسی در بستر آمریکایی برگزار می‌شود. از سال ۲۰۱۰، بیش از ۲۲۰ دانشجو در این برنامه شرکت کرده‌اند.

سایر موضوع‌هایی که این مؤسسه در سال ۲۰۱۵ برگزار کرده است، به شرح زیر است:

■ **هارمونی در تنوع: انجمن جوانان بین‌ادیانی در اندونزی^۲ (آگوست ۲۰۱۵)**

این رویداد به صورت سالانه و با محوریت رهبران جوان اندونزی است که تمرکز خود را بر افزایش ظرفیت‌ها در راستای تساهل و گفتگوی بین‌ادیان قرار داده است.

■ **کنفرانس آزادی دینی و اسلام‌هراسی^۳ (اکتبر ۲۰۱۵)**

این برنامه با حضور تقریباً ۴۰ رهبر مسیحی انجیلی^۴ (که نمایندگی طیف وسیعی از دیدگاه‌ها در مورد اسلام را پوشش می‌دهد) و نمایندگان یهودی، مسلمان و غیر انجیلی مسیحی برای بررسی و شناخت بیشتر عواقب ناشی از اسلام‌هراسی و خصومت‌های ضد مسلمان و نیز پاسخ‌های متفکرانه به اسلام‌هراسی در ایالات متحده برگزار می‌شود.

تحلیل گزارش جامع سالانه دیپلماسی عمومی آمریکا

نفس توجه و استفاده از گفتگوی بین‌ادیان در حوزه سیاست خارجی و در راستای تأمین اهداف و منافع ملی تحقق می‌یابد. اما اصول و چگونگی ارتباط و اثرگذاری به وسیله این ابزار، در دانش‌های دیگر مانند ارتباطات میان‌فرهنگی پرداخته می‌شود. دیالوگ نه تنها به عنوان روش محوری در اجراء برنامه‌های سیاستی، بلکه به عنوان روشی قابل اعتناء در طراحی سیاست‌ها نیز استفاده می‌شود. سیاست‌گذاران در مرحله مساله‌شناسی و ارائه راه حل‌های موجود و انتخاب بهترین راه‌ها و تدوین سیاست‌ها، میان خود نیز دیالوگ می‌کنند. اماره‌های این روش سیاستی را به کرات می‌توان در اسناد مختلف منتشر شده یافت. (ICMEWD, 2015: 25-38)

از مجموع برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف دیپلماتیک آمریکا، که در قالب‌ها، محتواها و با مخاطبان مختلف تهیه و اجراء شده است، می‌توان ریشه‌های دیالوگ محور را در اغلب آنها

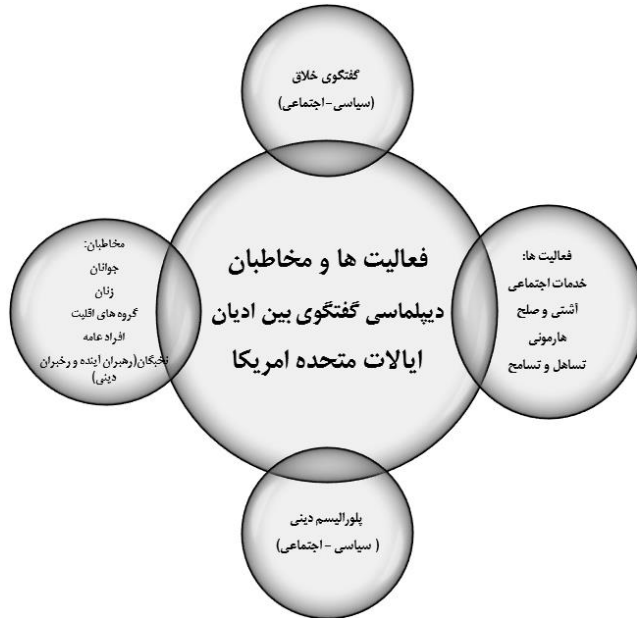
۱. مطابق گزارش سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ این مؤسسه، اولین و مهم‌ترین حامی مالی این مؤسسه، دفتر امور آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه است.

2. Interfaith Youth Forum in Indonesia : Harmony in Diversity
3. Conference on Religious Freedom and Islamophobia
4. Evangelical Christian leaders

مشاهده کرد. در برخی برنامه‌ها، ارتباطات انسانی به صورت مستقیم و چهره به چهره و به شکل دیالوگ برگزار می‌شود. در حوزه ارتباطات جمعی و رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیز، اصل تعامل و گفتگو مورد عنایت و اهتمام واقع شده است. این اصل در انتخاب موضوع، انتخاب میهمان و کارشناس و نحوه امکان تعامل مستقیم میهمانان و مخاطبان رعایت شده است.

نکته مهم دیگر آن است که رویکردهای ثابت‌گرایانه را می‌توان در ساختار سیاست‌گذاری این حوزه آمریکا به راحتی مشاهده کرد. اینکه نهاد متکفل این موضوع، دوحزبی است، مؤید فراحزبی بودن آن و بالتبع اهمیت این موضوع دارد. هم چنین اولویت‌های مخاطبان در این گزارش، گستره‌ای از جوانان، زنان، گروه‌های اقلیت و غیرنخبه‌ها هستند. بر همین اساس، ترویج دیالوگ در میان احزاب و جامعه مدنی جامعه هدف، با اولویت دیالوگ در سطح مردم (به عنوان مخاطبان اصلی) مد نظر خواهد بود. البته قالب‌های دیگر که به صورت تبادل‌های علمی-آموزشی است، مخاطبان خاص خود مانند: افراد دارای توانمندی و ظرفیت برای رهبری در آینده و رهبران دینی را پوشش می‌دهد.

از مضامین مهم که می‌تواند هدف این بخش را به روشنی مشخص سازد، پلورالیسم دینی است. در این قسمت، توضیحات داده شده حکایت از آن دارد که مراد از این مفهوم، دموکراسی در بستر آمریکایی است. با این توضیح، می‌توان مجدداً به این نکته مهم اذعان کرد که استفاده از دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان برای آمریکا، به منظور تأمین منافع ملی این کشور رخ می‌دهد و تجلی آشکار این منافع هم در بسط تفکر و ارزش‌های آمریکایی تحقق خواهد پذیرفت. سایر مضامین مرتبط با این منظومه، خدمات اجتماعی، آشتی و صلح، هارمونی، تساهل و گفتگوی خلاق است. (شکل شماره: ۲)



شکل شماره (۲): فعالیت‌ها و مخاطبان دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان آمریکا - بر اساس گزارش سالانه «دیپلماسی عمومی» آمریکا

نتیجه‌گیری

این نتیجه‌گیری در سه بخش بر اساس عناوین ریشه‌ها (مبانی)، مفاهیم (مضامین)، و روش‌ها (ابزار) خواهد آمد.

۱. ریشه‌ها (مبانی)

در این بخش، سه محور مشترک شامل: ملت برگزیده، رسالت‌های جهانی، و نمایندگی نیروهای الهی، در تمام ادوار تاریخی و انواع مسئولان یافت شده است. (خلف رضایی، ۱۳۹۰: ۵۷)؛ تفصیل هر یک از این محورها که به مثابه ریشه‌های سیاست خارجی آمریکا می‌تواند تلقی شود و به تولید مفاهیم کلیدی می‌انجامد، به شرح زیر است:

۱-۱. ملت برگزیده^۱

آمریکایی‌ها خود را ملتی استثنایی که مأموریتی جهانی بر عهده دارند، برمی‌شمارند.^۱ «به هر دلیلی

1. Chosen Nation

این ناحیه به طور منحصر به فردی مورد رحمت قرار گرفته است و اکثر مسیحیان انجیلی ادعا می‌کنند که این اتفاقی نیست، بلکه مبتنی بر حقیقتی است. به هر دلیلی خداوند این کشور را منحصرأ برکت داد و تعهدات و مسئولیت‌های خاصی را بر روی دوش آن گذاشت. «هرکه نعمتش بیشتر، مسئولیتش بیشتر»^۲ (Marsden, 2008:108). به باور مارسدن، این ایده که آمریکا خاص است^۳ و توسط خدا انتخاب شده است و ایده‌هایی دارد که سبب حسادت جهانیان خواهد شد در اسطوره ملت بی‌گناه^۴ نمایان است. (Marsden, 2011: 329)

۲-۱. رسالت جهانی

دومین عامل، مفهومی است که ایالات متحده خود را حامل «رسالت»^۵ یا «فراخوان»^۶ برای انتقال، نجات و رهبری جهان می‌بیند. این مفهوم نتیجه طبیعی مفهوم پیشین است. یعنی ملتی که خود را خاص و ممتاز می‌داند، وظیفه خود می‌داند تا رسالت خاص بودگی خود را در سراسر جهان اجراء کند. «رسالت امریکا در گسترش ارزش‌های امریکایی باعث شده است که خود را هژمون خیرخواه^۷ معرفی کند» (Huntington, 1993:71). بنابراین، «دین شخصیت ملت را شکل می‌دهد و به ایجاد اندیشه‌های امریکایی در مورد جهان کمک می‌کند و بر رفتار امریکایی‌ها نسبت به وقایع فراتر از مرزهای خود تاثیر می‌گذارد. دین احساسات امریکایی را به عنوان ملت برگزیده^۸ و اعتقاد خود مبنی بر اینکه آنها وظیفه دارند ارزش‌های خود را در سراسر جهان نشر دهند، توضیح می‌دهد» (Mead, 2013: 24). بنیان این موقعیت برتری و فرادستی در دیدگاه آمریکا از خود به عنوان رهبر جهانی به ریشه‌های آن در اسطوره‌های بنیادین سرنوشت آشکار، استثناگرایی و ملت بی‌گناه برمی‌گردد. این اسطوره‌شناسی دارای ابعاد مذهبی است که قادر به انطباق با مدرنیته است، بلکه به باور برخی، در واقع شکل‌دهنده مدرنیته است و سرمایه‌داری، دموکراسی و دین مدنی را با هم ترکیب می‌کند، به گونه‌ای که بتواند تمام ادیان را در سراسر آمریکا بپذیرد. (Marsden, 2011: 341)

۱. اصطلاح «استثناگرایی امریکایی» (American exceptionalism) برای اولین بار توسط ماکس لرنر در اثرش «امریکا به مثابه تمدن: زندگی و اندیشه در ایالات متحده امروز» در سال ۱۹۵۷ مطرح شد.

2. to whom much is given, much is required
3. America is special
4. innocent nation
5. Mission
6. Calling
7. Benevolent Hegemon
8. chosen people

۳-۱. نمایندگی نیروهای الهی در مقابل نیروهای اهریمنی

محور سوم بر این مهم تأکید دارد که ایالات متحده همواره در جنگ‌ها و مقاطع مهم سیاست خارجی خود که معطوف به استفاده از نیروهای نظامی بوده است، نماینده نیروهای الهی بوده و در جبهه حق قرار داشته و در مقابل او نیروهای اهریمنی قرار داشته‌اند که در جبهه باطل به مبارزه با خوبی‌ها اقدام می‌کرده‌اند. فرانکلین روزولت در خصوص منازعه با آلمان و ژاپن در جنگ جهانی دوم اظهار داشت: هرگز نمی‌توان صلحی موفقیت‌آمیز بین حق و باطل تصور نمود. جورج بوش پدر نیز در ماه می ۲۰۰۳، آمریکا را در منازعه با باطل و اهریمن می‌بیند و عنوان می‌دارد که آمریکا، باطل و اهریمن را با همان اسمش می‌خواند. در واقع، وجود خصم یا دیگری ناپسند همواره در تعریف هویت آمریکایی و توجیه بین‌الملل‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا مهم بوده است.

۴-۱. مفهوم

این قسمت به مثابه حلقه وصل مبانی و روش در نظر گرفته می‌شود. در این معنی، این مفاهیم زاینده مبانی بیشتر توضیح داده مشترک در دوره‌های مختلف سیاستی آمریکا است. بازپرورانی این مفاهیم در قالب شبکه مبنی، بیشتر ارائه شده لذا می‌تواند به تحلیل مضمون دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان آمریکا منجر شود. بررسی تحلیلی نهادهای دین محور و سیاست‌های مربوط به دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان پژوهشگر را به وجود مفهوم محوری رهنمون ساخت. در این معنی، این مفهوم به منزله مضمون فراگیر در گفتمان سیاست خارجی ناظر به دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا قلمداد می‌شود. در ادامه این مفهوم یعنی دین مدنی به تفصیل تبیین خواهد شد.

۵-۱. دین مدنی

دین مدنی^۱ مبتنی بر یک سیستم اعتقادی اخلاق و ارزش‌های پروتستانی است که بر اساس نیاز به یک بنیاد دینی برای زندگی شکل گرفته است. (Gentile, 2008: 112)

جوهره دین مدنی^۲، پذیرش و احترام به باورها و رفتارهای دینی همگان است. در این معنی، فرد باورمند به یک دین، در عین حال که باورها و رفتارهای دینی خود را به منصفه ظهور می‌رساند، در منصفه ظهور اجتماعی، به باورها و رفتارهای دینی دیگران نیز احترام می‌گذارد. احتمالاً در منظومه دین مدنی، سیاستگذاران به دنبال باورها و ارزش‌های مشترک انسانی هستند تا

1. Civil religion

۲. کلمه *civilis* از ریشه لاتینی *civis* به معنای «انسان مودب به آداب شهری» و کسی که به شهر و مدینه تعلق دارد، با کلمه فارسی «ساویز» به معنای شخص نیک خو و خوش خلق، هم‌ریشه و هم‌معنی است (لغت نامه دهخدا)

از آن به مثابه چسب اجتماعی گروه‌های مختلف موجود در جامعه استفاده کنند.^۱ دین مدنی، مبنای رابطه دین و دینداری و سیاست و حکومت در حوزه تمدنی غرب پس از صلح وستفالی ۱۶۴۸ در اروپا و سپس سایر مناطق می‌باشد. بر این اساس، بجای این که مدنیت دینی شود، این دیانت است که مدنی می‌شود و بر اساس محوریت نظام سیاسی حاکم بر جامعه، اصالت یافته و می‌تواند فعالیت کند (حسینی، ۱۳۸۹: ۹۹). در این معنی، آمریکا نباید اسلامی شود، بلکه این اسلام است که باید آمریکایی شود. این معنی و خوانش خود بنیادی مسیحی دارد، چراکه «حضرت عیسی، اولاً: تحقق جامعه مطلوب خویش را در این دنیا ممکن ندانسته است؛ و ثانیاً از پیروان خویش نخواست است تا برای تسریع ظهور او، عمل خاصی را در زندگی دنیوی پیشه کنند. این دو گزاره، فیلسوفان سیاسی غرب (مانند: هابز، روسو و کانت) را قادر ساخته تا بتوانند قرائتی مدنی از مسیحیت را طراحی کنند.» (نصری مشکینی، ۱۳۸۱: ۵۱)

هویت در ابعاد مختلف آن مانند: جنسیت، قومیت، ملیت و دیانت در ایالات متحده آمریکا، تابع مدنیت به معنای نظام سیاسی حاکم بر جامعه است و امنیت به معنای مطلق و لیبرالیستی آن رابطه تنگاتنگی با هویت دارد. در این دیدگاه، انجام اصلاحات در باورها، ساختارها و سازمان‌های تولید، ترویج و تبلیغ اسلام در جامعه مسلمانان آمریکا به منظور تطبیق و انطباق با جامعه بزرگتر آمریکا و ترکیب فرهنگی امری الزامی است. (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۱۵)

تأکید بر گفتگو و سیاست‌های گفتگو در داخل و خارج از کشور میان افراد و گروه‌های مختلف و با موضوعات متنوع، می‌تواند بر این نکته و باور بازکردن مشت بسته هویتی و نیز ادغام و دیگ جوشان بودن آمریکا که چندفرهنگی است اشاره و بلکه تصریح داشته باشد. در این معنی، آمریکایی‌ها از طریق ترویج گفتمان و سیاست‌های گفتگویی در میان کشورهای مختلف، در صددند تا با واردساختن دیگران متدین به حوزه از پیش تعریف و تعیین شده مدنیت در سپهر بین‌الملل، بتوانند ایشان را کنترل نمایند. در صورت عدم ورود ایشان به این میدان از پیش طراحی و ترسیم شده اما رویکرد سلبی از طریق بحران زایی‌های رسانه‌ای و سیاستی ایجاد می‌کنند تا بتوانند عدم گفتگوکنندگان را محکوم و منزوی نمایند. پس در هر دو حالت برنده واقعی هستند و این بازی دو سر برد محسوب می‌شود. البته در نگاهی تا حدودی بدبینانه اساساً نفس گفتگو زمینه را برای نفوذ و رخنه در طرف مقابل مهیا نماید.

۱. دین مدنی از منظر روسو، از حیث ضمانت قرارداد جایگزین لویاتان هابز می‌شود و ضرورتی فلسفی برای حفظ جامعه-مدنی در نظر گرفته می‌شود. (سلیمان حشمت، ۱۳۷۹: ۹۸-۱۰۱)

۶-۱. روش (ابزار)

بر اساس مبانی سه گانه و مفاهیم یگانه، روش مورد توصیه و استفاده در سیاست خارجی آمریکا، دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان است.

امروزه دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان را می‌توان به مثابه یک مکتب^۱ در نظر گرفت. این مکتب شامل متخصصان روابط بین‌المللی دینی و دیپلمات‌های برجسته‌ای مانند: جانستون^۲، هورر^۳، سیپل^۴، اوتیس^۵، اسکات اپلبی^۶ و پاترسون^۷ می‌باشد. در این زمینه، جانستون نقش پررنگ دین در حل تعارض و پیشگیری از آن را مثبت ارزیابی می‌کند. توماس نیز نقش مثبت دین در عرصه روابط بین‌المللی را خصوصاً با تأکید بر اخلاق دین بنیاد باور دارد. مادینه آلبرایت نیز از نیاز سیاستگذاران به فهم جریان‌های معنوی و مسئولیت‌شان در توانمندی در ایجاد اتحاد و ائتلاف بین ادیان در سیاست‌های جهانی یاد می‌کند. هورر استدلال می‌کند که امنیت بین‌المللی از طریق ائتلاف سنت‌های ادیان ابراهیمی افزایش پیدا می‌کند و در نتیجه صلح پایدار ممکن می‌شود. پیش فرض تمام این نظرات مبتنی بر تأکید بر مشترکات میان ادیان و اتحاد آنها با یکدیگر است.

اریک پاترسون پنج جریان عمده در بازآفرینی جهانی دین که مرتبط با سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا است را احصاء کرده است:

۱. دینداری فردی در سراسر جهان در حال افزایش است؛
۲. بیان عمومی از دین توسط افراد و گروه‌ها در سراسر جهان بیشتر در گفتمان سیاسی^۸ ظاهر می‌شود؛
۳. ایالت‌ها دیگر، تنها مراکز قانونی اقتدار و مشروعیت نیستند و نیز قابل اعتمادترین ارائه دهندگان خدمات اولیه نیستند؛
۴. بازیگران دینی، هویت‌ها و ایده‌ها به شدت فراملی^۹ هستند؛ و
۵. چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی، تحرکات دینی-مذهبی می‌تواند فراتر از آنچه

1. school
2. Johnston
3. Hoover
4. Seiple
5. Otis
6. Scott Appleby
7. Patterson
8. political discourse
9. transnational

دانشمندان به طور معمول به عنوان منافع عقلانی یا مادی^۱ تعریف می‌کنند، باشد. (Patterson, 2011: 56)

دیپلمات مؤمن^۲ به لحاظ کیفی نسبت به همتای سکولار خود برتر است؛ زیرا کنش هایش با «وابستگی آگاهانه به اصول و منابع معنوی مانند نماز، بخشندگی و مصالحه مرتبط می‌شود. او قادر به انجام توانایی و تمرین اقتدار معنوی^۳ است و قلبی تکثرگرا^۴ دارد.» (Johnston and Cox, 2003: 16)

بینش معنوی نقش مهمی را در تمامی جنبه‌های سیاست خارجی ایالات متحده بازی می‌کند، از جمله در میان افسران نظامی که به طور منحصر به فرد به طور مداوم به آنها کمک می‌کند تا با گسترش نقش خود در مقایسه با کاری که هم اینک انجام می‌دهند یعنی تأمین نیازهای روحی و معنوی سربازان و خانواده‌های آنها، به پیشگیری از صلح و جلوگیری از وقوع آن کمک کنند. (Johnston, 2003: 25)

در مورد تکیه بر نیروهای نظامی برای تعامل با همتایان مذهبی برای تضمین توافق برای اهداف سیاست خارجی ایالات متحده، تسلط ایوانجلیکال‌های محافظه کار با تعهد و فقدان احترام به اسلام، چنین رویکردهای مبتنی بر ایمان را عمیقاً ناقص و بالقوه خطرناک برای منافع سیاست خارجی آمریکا جلوه می‌دهد. (Marsden, 2013: 147)

۲. توجه به و استفاده از دین در سیاست خارجی (بر اساس اعتقاد یا بی‌اعتقادی دینی)

الف: بر اساس اعتقاد: دین در مقام تبیین‌کننده سیاست خارجی و با هدف تغییر کیش و آیین مخاطبان و نیل به اهداف دینی؛

ب: بر اساس بی‌اعتقادی: دین در مقام توجیه‌کننده سیاست خارجی و با هدف نیل به اهداف سیاسی.

البته این دو به یک معنی مانع الجمع نیستند. این عدم ممنوعیت در جمع، بر اساس توجه به اهداف می‌تواند رخ دهد. در این صورت، ممکن است هدف از سیاست خارجی هم دینی و هم سیاسی باشد.

بنابراین هم‌اینک دین به نیروی عمده در سیاست جهانی در دهه‌های اخیر تبدیل شده است. ضمناً آن چنان که بیشتر اشاره شد، در گفتگوی دینی - سیاستی نقد علمی و تخطئه عملی شعار جدایی دین از سیاست را باید گوشزد نمود. اولاً این شعار نادرست است و ثانیاً، حتی بر فرض پذیرش علمی آن، در عمل توسط خود شما اجراء نمی‌شود.

در چند سال گذشته، ایوانجلیکال‌های محافظه کار بیش از ۵۰ درصد پست‌های ارتش نظامی را

1. rational or material interests
2. faith-based diplomat
3. spiritual authority
4. pluralistic heart

گرفته‌اند. الجزیره در ماه می ۲۰۰۹، تصاویری از ارتش نظامی آمریکا در افغانستان پخش کرد که در آن‌ها مشغول آماده‌سازی برای توزیع کتاب مقدس انجیل (به زبان پشتو و دری) و بحث درباره رعایت اصول اثرگذار بر روی مردم برای پذیرش ایوانجلیسم بودند.^۱

هم چنین جنبش‌های مختلف مسیحی، بخصوص مسیحیان انجیلی در سال‌های اخیر در رابطه با موضوع‌های متعدد سیاست‌خارجی به ویژه حقوق بشر، سیاست‌های مهمی را ارائه داده‌اند. (هینس، ۱۳۹۴: ۲۱۵)

۳. طراحی و اجراء دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان ذیل دیپلماسی عمومی، در راستای تأمین اهداف و منافع ملی

حوزه جدید گفتگوی بین‌ادیان می‌تواند در پیوند با دانش سیاسی در عرصه بین‌الملل مورد استفاده قرار گیرد. این حوزه نوظهور در قالب دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان، مفاهیم، روندها و سیاست‌های نوینی را طراحی و توصیه خواهد کرد. در این معنی، ما به دیپلمات دین شناس نیازمندیم تا بر اساس آگاهی کامل از دین مخاطب خود، بتواند بهترین استراتژی در جهت نیل به اهداف سیاستی را وضع کند. هم چنین در سطحی بالاتر، او باید بتواند با استفاده از هوش بافت نگر خویش^۲، نقشه دینی^۳ و نقشه نگاری دین^۴ جامعه هدف خود را ترسیم کند. این نقشه شامل باورها (عقاید)، اخلاق (آداب) و رفتار (مناسک) دینی خواهد بود. بر اساس این رویکرد، قدرت سیاسی (سخت و عینی محور) به وسیله اقتدار فرهنگی (نرم و ذهنی محور) به دست می‌آید.

در سطح مبانی، ریشه‌های اصولی که تولیدکننده سیاست‌ها هستند، در قالب ارزش‌های آمریکایی مطرح می‌شوند. این ارزش‌ها بر اثر انباشت تاریخی فرهنگی در کانون سیاستی در سطح خارجی قرار می‌گیرند. تولید و بازتولید معنایی سیاست‌های خارجی، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه توسط این مولفه‌ها صورت می‌پذیرد. مضمون کلیدی این سطح، استثناء‌گرایی است. مفاهیم اقماری منظومه‌ای این مفهوم مرکزی، خود برترینی، نگاه بالا به پایینی، توسعه و پیشروی، حکمروایی جهانی می‌باشد. تک تک این مفاهیم، مورد استفاده سیاستمداران از حزب‌های مختلف و در زمان‌های گوناگون قرار گرفته است. سیاست کلی این مضمون بنیادین،

1. 'US army "does not promote religion"', Al Jazeera, <http://english.aljazeera.net/news/asia/2009/05/2009542250178146.html>, accessed 6 May 2009

۲. این مفهوم از تعابیر اخیر ژوزف نای (۱۳۹۰: ۲۷) وام گرفته شده است.

3. Religious Map

4. Religion Mapping

به این جمله مشهور إشعار دارد که «ما تافته‌ای جدا بافته ایم».

در سطح مفاهیم، مفهوم آزادی دینی، دلالت بر وجود تنوع و تکثر فرهنگی دارد که آمریکا خود در چنین بستری قرار گرفته است. این مفهوم در زمان بوش که بر قدرت سخت تکیه بیشتری داشت، بیشتر مورد استفاده قرار گرفت. از سویی دیگر، مفهوم دین مدنی که ریشه‌ای مدرنیستی دارد، همسو و هم‌نوا با فرهنگ آمریکایی است. دین مدنی هم‌زمان بر دین و جامعه به دلیل جایگاه و اعتباری که دین در جوامع کنونی جهان دارد تأکید می‌کند. همچنین بر مدنیت به دلیل این که آمریکا بر اساس پارادایم آمریکایی‌سازی جهان، وجه مدنیت جوامع را در پیروی از اصول و ارزش‌های مقبول خود دارد، تأکید دارد. صرف نظر از کاربردهای این مفهوم در عالم واقع، امعان نظر در این مفهوم نشان از اهمیت و اولویت مدنیت بر دیانت دارد. چراکه این دین است که باید مدنی شود؛ نه این که مدنیت دینی شود. به بیانی دقیق‌تر، این دین است که باید توسط مدنیت احاطه شود. مدنیت در قالب‌های نرم‌افزاری به دور دین حلقه می‌زند و آن را مدیریت می‌کند. لذا مدنیت با زبان فرهنگی - اجتماعی که تنوع بردار است، دین که زبان تمرکزگرا دارد کنترل خواهد کرد. این البته در صورتی است که سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر سیاست‌ها در سطوح بالای مدیریتی قوی و مستحکم باشد.

در سطح روشی، گفتگو در معنایی عام و گفتگوی بین‌ادیان در معنایی خاص، زمینه‌ساز پیاده‌سازی این سیاست‌ها خواهد بود. بنابراین، بسیار مهم است که میان اندیشه گفتگوی بین‌ادیان در نظر و کاربردهای آن در عمل تفکیک قائل شویم. این تفکیک زمانی که از منظر دیپلماسی عمومی و عالم سیاست به موضوع می‌نگریم، بیشتر و بیشتر خواهد شد.

بازشناسی تئوریک مدل مفهومی دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان در سه سطح مبانی، مفاهیم و روش در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

جدول شماره (۲): مضامین محوری سیاست خارجی گفتگوی بین‌ادیان محور ایالات متحده آمریکا

مضامین محوری و دال‌های مرکزی سیاست خارجی گفتگوی بین‌ادیان محور ایالات متحده آمریکا		
ریشه (مبانی)	استثناءگرایی	ملت برگزیده
مفهوم (مضامین)	دین مدنی	
روش (ابزار)	دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان	

بر اساس آنچه گفته شد، سه الگوی دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان بر مبنای سطوح، مؤلفه‌ها و ابعاد بدین ترتیب خواهد بود.

در الگوی سطح، ناظر به برنامه‌ریزی عملیاتی و بر اساس تعدد مخاطب و تنوع برنامه‌ها، الگوی جدول شماره (۵) حاصل شد.

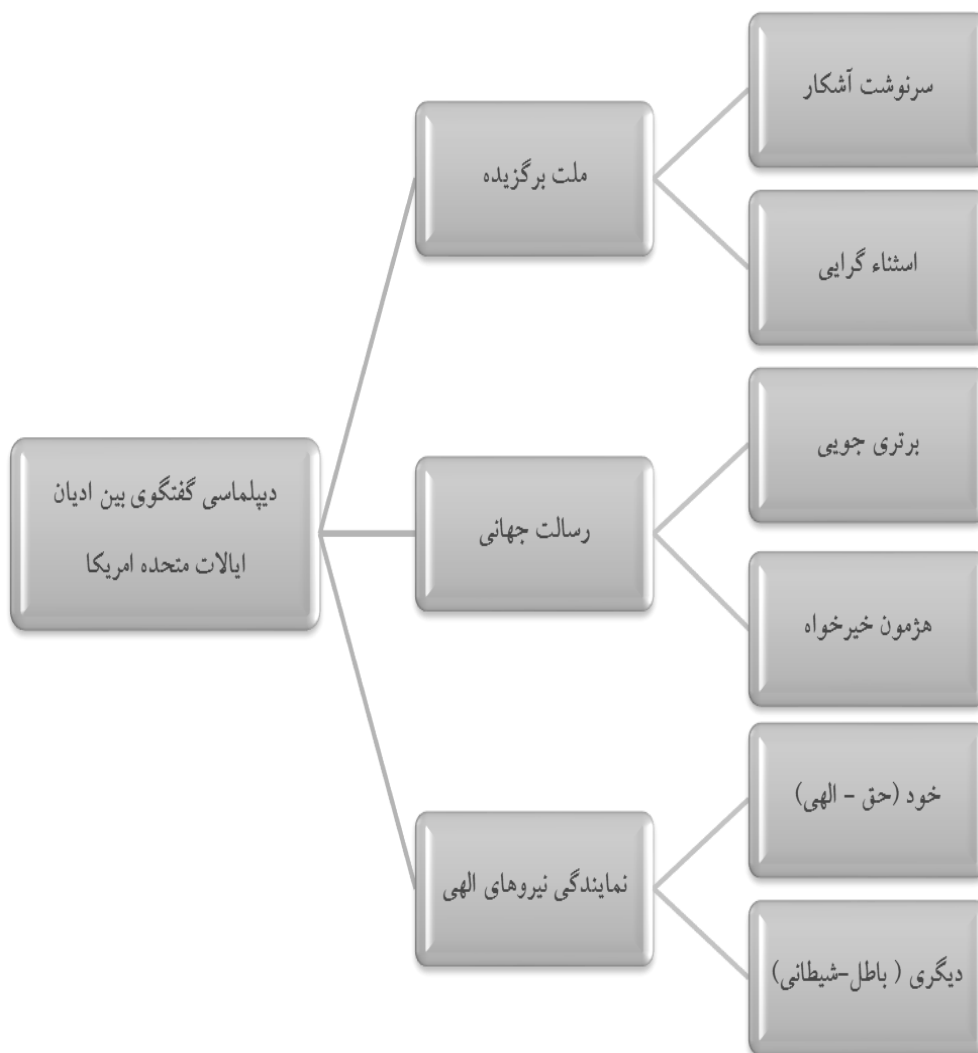
این تنوع با عنایت به تفاوت‌های فرهنگی که باید اساس برنامه‌ریزی عملیاتی این گونه از دیپلماسی واقع شود، استخراج و ارائه شده است.

بر همین اساس، توجه به بعد (دیالوگر و موضوع)، سطح دیالوگر، بازیگران (سیاستگذاران و مجریان)، مخاطبان، رویکرد، شیوه و... جدول شماره (۳) استخراج شده است.

جدول شماره (۳): الگوی دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان ایالات متحده آمریکا (بر اساس سطوح)

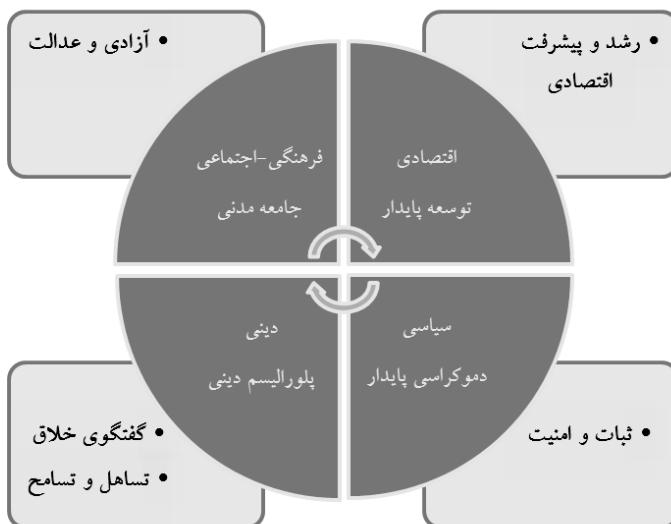
بُعد (دیالوگر - موضوع)	بینشی (سر)؛ گرایشی (قلب) و کنشی (عملی)
سطح (دیالوگر)	رسمی؛ نیمه‌رسمی و غیررسمی
بازیگران	دیپلمات‌ها دیپلمات‌های دینی رهبران دینی سازمان‌های گفتگوی بین‌ادیان مومنان به ادیان
مخاطبان	متنوع تنوع در کشورها و فرهنگ‌ها تنوع در نوع جنسیت مخاطب (زن و مرد) تنوع در سن مخاطب (تمرکز بر جوانان) تنوع در دانش مخاطب (نخبگان؛ افراد معمولی) تنوع در سازمان‌ها (انواع نهادهای ملی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی) تنوع ادیان مورد گفتگو (ادیان ابراهیمی و ادیان شرقی) تنوع در قالب‌ها و برنامه‌ها (رسمی؛ نیمه‌رسمی؛ غیررسمی)
رویکرد	ارتباطات میان‌فرهنگی
موضوع	آزادی‌دینی دین‌مدنی
شیوه - روش	استدلالی، عاطفی، رفتاری
(پیشینی) هدف	تبیین (راهبری) سیاست خارجی
پسینی - نتیجه (دستاورد)	توجه (ترویج) سیاست خارجی
گفتمان	پراگماتیستیک

در الگوی دوم، ناظر به مفاهیم، پشتوانه نظری و مبانی مفهومی این الگو استخراج شده است. مرور سیاست‌ها و استخراج مفاهیم (از طریق سه مرحله کدگذاری توصیفی، تفسیری و یکپارچه) در کنار تحلیل گفتمان آن‌ها پژوهشگر را به این مفاهیم راهبری کرد. این مفاهیم، بازنمود سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان آمریکا است که بدون ملاحظه آن‌ها، امکان فهم چستی، چگونگی و چرایی فعالیت‌های این حوزه آمریکا ناممکن خواهد بود. (نمودار شماره: ۳)



نمودار شماره (۳): مبانی دیپلماسی گفتگوی بین ادیان آمریکا

در الگوی سوم، ابعاد دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان آمریکا ملاحظه شده است. در این خصوص، این که آمریکا از ابزار گفتگوی بین‌ادیان در اهداف متنوعی ناظر به مخاطبان بسی گوناگون استفاده می‌کند، بسیار مهم است. به بیانی دیگر، آمریکا بر اساس اهداف و سیاست‌های خود، تلاش می‌کند تا از گفتگوی بین‌ادیان (در قالب‌ها و محتواهای گوناگون) به مثابه ابزاری مناسب، مفید و موثر بهره‌جوید. در این راستا، مضامین کارکردها حداقل در چهار حوزه در نمودار شماره (۴) شناسایی و گردآوری شده است. مضامین کلیدی که بر اثر تکرار در سیاست‌ها و سازمان‌های مختلف و نیز ارتباط با دو الگوی پیشین احصاء شده است، نیز در این الگو آمده است.



نمودار شماره (۴): حوزه‌ها و مولفه‌های دیپلماسی گفتگوی بین‌ادیان ایالات متحده آمریکا

فهرست منابع

- اسپوزیتو، جان لی (۱۳۸۸). اسلام و غرب: صدای گفتگوی مسلمانان، در کتاب دین و روابط بین‌الملل، عسگر قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- اسنایدر، جک (۱۳۹۳). دین و نظریه روابط بین‌الملل، ترجمه: عبدالعلی قوام و رحمت حاجی منیه، تهران: نشر علم.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۹). سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس (از ترومن تا اوباما)، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خلف رضایی، محمود (۱۳۹۰). «مقدمه‌ای بر تأثیر انگاره‌های اعتقادی در سیاست خارجی آمریکا»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، دوره ۲۵، بهار ۱۳۹۰، صص ۴۹-۷۲.
- دونوکویل، الکسی (۱۳۸۲). تحلیل دموکراسی در آمریکا، ترجمه: رحمت الله مقدم مراغه‌ای، تهران: فردوس.
- سلیمان حشمت، رضا (۱۳۷۹). «روسو و دین مدنی»، مقالات و بررسیها، شماره ۳۳ (دقتر ۶۷)، تابستان ۱۳۷۹، صص ۹۳-۱۰۳.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۸). مقدمه کتاب پدیده‌های دینی فراملی، در کتاب دین و روابط بین‌الملل، عسگر قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- فوکس، جانانان؛ شموئل ساندلر (۱۳۸۸). پدیده‌های دینی فراملی، در کتاب دین و روابط بین‌الملل. عسگر قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- کوبالکوا، وندولکا (۱۳۸۸). «به سوی الهیات سیاسی بین‌الملل»، در کتاب دین و روابط بین‌الملل، عسگر قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- نای، ژوزف (۱۳۹۰). آینده قدرت نرم در سیاست خارجی ایالات متحده، در کتاب قدرت نرم و سیاست

خارجی ایالات متحده: دیدگاه‌های نظری، تاریخی و معاصر، بازار ایندویجت و کالسک مایکف،

ترجمه: علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نصری مشکینی، قدیر (۱۳۸۱). «بنیان‌های نظری مدینه دینی و دین‌مدنی»، مطالعات راهبردی، سال پنجم،

شماره اول، مسلسل ۱۵، بهار ۱۳۸۱، صص ۳۱-۵۴.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۸). دین در حوزه عمومی، در کتاب دین و روابط بین‌الملل، عسگر قهرمان‌پور.

تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.

هازن کلور، آندریاس (۱۳۸۸). جنگ، امنیت، دین: رهیافت‌های نظری درباره تاثیر دین بر کشمکش‌های سیاسی،

در کتاب دین و روابط بین‌الملل، عسگر قهرمان‌پور. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.

هینس، جفری (۱۳۹۴). مذهب و سیاست خارجی، در کتاب دین و روابط بین‌الملل، عسگر قهرمان‌پور،

تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.

Gentile, Emilio (2008). *God's Democracy: American Religion after September 11*. Westport, CT: Praeger Publishers.

Huntington, S. P. (1993). Why International Primacy Matters. *International Security*, 17(4), 68-83.

ICMEWD, International Center for Middle Eastern- Western Dialogue (ICMEWD)

Johnston, Douglas (E.d.) (2003). *Faith-Based Diplomacy*. Oxford: Oxford University Press.

Johnston, Douglas., and Brian Cox (2003). "Faith-Based Diplomacy and Preventive Engagement."

In *Faith-Based Diplomacy*, ed. Johnston D. Oxford: Oxford University Press.

Marsden, L. (2008). *For God's Sake: The Christian Right and US Foreign Policy*.

Marsden, L. (2013). You Say Obama, I Say Osama, Let's Call the Whole Thing Off: Race and US Foreign Policy Today. In *Barack Obama and the Myth of a Post-Racial America* (pp. 145-160). Routledge.

Marsden, Lee (2011). Religion, identity and American power in the Age of Obama. *International Politics*, 48(2-3), 326-343.

Marsden, Lee (2014). Faith-based Diplomacy: Conservative Evangelicals and the United States Military. *Politics and Religion*, 7(3), 475-498.

- Mead, Walter Russell (2013). *Special Providence: America's Foreign Policy and How It Changed the World*. London and New York: Routledge.
- Patterson, Eric (2011). *Politics in a Religious World: Building a Religiously Informed US Foreign Policy*. London: Continuum.
- Pew Forum (2008). *US Religious Landscape Survey*. Washington DC: Pew Forum on Religion and Public Life, February.
- Roark, James (2005) *The American Promise: A Compact History of United States*, Two Volume, Unites States, Boston, R.R. Don nelly & Sons Componay.